Archive of SID

پژوهش‌های تجربی حسابداری
سال هشتم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۱۹ - ۲۴۵

تأثیر سرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

مهدی فغانی*، سکینه دارسنج، مسلم سعیدی***، حمید زارعی*****

تاریخ دریافت:۹۶/۰۹/۲۵
تاریخ پذیرش:۹۶/۱۲/۱۹

چکیده

عدم وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی مناسب، می‌تواند زمینه را برای اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران فراهم سازد؛ یکی از این اقدامات فرصت‌طلبانه سوق دادن فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در جهت منافع خودشان می‌باشد که می‌تواند موجب اتلاف منابع مالیاتی گردد. هدف این تحقیق، بررسی تأثیر سرمایه فکری بر رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. ازاین‌رو، داده‌های استخراج شده از ۹۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ از طریق مدل رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سرمایه فکری رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نمی‌نماید. به این معنی که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌طور مستقیم بر روی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند و در این میان سرمایه فکری نقشی را ایفا نمی‌نماید. به‌طور خاص، نتایج تحقیق تأکید می‌نماید که حاکمیت شرکتی قوی، منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و درنهایت نیل به اهداف شرکت‌ها در خصوص اثربخشی اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی‌های مالیاتی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، سرمایه فکری.
طبقه‌بندی موضوعی: H20, G34, O34

DOI: 10.22051/jera.2018.18450.1891

* استادیار حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، (نویسنده مسئول)، (faghani@acc.usb.ac.ir).
** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، (s_darsanj66@yahoo.com).
*** مربی حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، (moslem.saeidi@acc.usb.ac.ir).
**** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، (hamidzarei@pgs.usb.ac.ir).

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

در آغاز قرن بیستم و در پی تشکیل شرکت‌های سهامی عام، تحول عظیمی در حوزهٔ اقتصاد و مدیریت به وجود آمد. این پدیده هم موجب پیشرفت صنعت و اقتصاد و هم موجب تفکیک مدیریت از مالکیت و در پی آن، بروز تضاد منافع و مشکلات نمایندگی شد، سپس حاکمیت شرکتی با یک مفهوم چند بعدی برای برقراری تعادل میان گروه‌های مختلف ذینفعان مطرح گردید (بت‌شکن و رهبری، ۱۳۸۸). رویکرد سهامداران (تئوری نمایندگی) شرکت را در خدمت مالکان خود یعنی سهامداران می‌داند؛ و رویکرد ذینفعان، سعی در توجه و برآوردن نیاز نه تنها سهامداران؛ بلکه سایر گروه‌های مدعی و حتی نسل‌های آینده دارد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۰)؛ اما صرف نظر از این موضوع، همچنان تضاد منافع بین ذینفعان با توجه به استراتژی یک شرکت برای حذف یا کاهش مالیات، می‌تواند منافعی برای سهامداران و مدیرانش فراهم نماید، اما این استراتژی به ضرر دولت و جامعه تمام شود. تحقیقات مربوط به اجتناب مالیاتی، عموماً روی موضوعاتی نظیر اعتبارات مالیاتی، سهامداران و جامعه متمرکز شده است. با توجه به مفاهیم تئوری نمایندگی باید اذعان نمود که مدیران در خصوص افزایش ارزش شرکت پاسخگو می‌باشند و مالکین نیز درصدد ارزیابی مدیران و کارگزاران هستند تا دریابند آیا آن‌ها وظایف خود را به درستی ایفا می‌نمایند یا خیر؟ علاوه بر این، آن‌ها مایلند تا بدانند مدیران چگونه و از چه طریق به اهداف تعیین شده دست می‌یابند. در این بین ممکن است از منظر سهامداران؛ فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه پذیر باشد؛ بلکه مطلوب و پسندیده هم واقع شود، چراکه مبانی نظری و شواهد تجربی حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی می‌تواند ابزاری برای ذخیرهٔ مالیات و کاهش هزینه‌های شرکت و به تبع آن، افزایش ثروت سهامداران باشد (حسینو و کلامم، ۲۰۱۲). درحالی‌که جامعه و بخش عمومی انتظار دارند شرکت‌ها شهروندان خوبی باشند و سهم مالیات خود را به درستی و به موقع پرداخت نمایند و این استراتژی شرکت از منظر سایر گروه‌ها ناپسند تلقی شود، از این رو، دولت باید درصدد افزایش درآمدهای مالیاتی خود برآید؛ و در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به مالیات و عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی دولت بیش از پیش نمایان می‌گردد (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). لذا می‌دانیم در شرکت‌ها هزینه‌های مالیات بر درآمد از مهم‌ترین هزینه‌ها است و معمولاً شرکت‌ها آن را به‌عنوان

www.SID.ir

Archive of SID

هزینه‌ای که نباید پرداخت نمایند تلقی می‌کنند؛ زیرا با پرداخت مالیات نقدینگی بیشتری از شرکت خارج می‌شود و سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت ازجمله سهامداران کاهش می‌یابد. ازاین‌رو به‌طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن از طریق مدیران خود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نمایند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). سهامداران ریسک گریز انتظار دارند مدیران به نمایندگی از آن‌ها بر حداکثر سازی سود تمرکز کرده، که این فراتر از بکارگیری فرصت‌های کاهش بدهی مالیاتی است، بنابراین اجتناب مالیاتی فی‌نفسه انعکاسی از مشکلات نمایندگی نیست. بااین‌حال، جدایی مالکیت و کنترل می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات مالیاتی در شرکت شود که منعکس‌کننده منافع شخصی مدیر است. ازاین‌رو چالش پیش روی سهامداران و هیئت‌مدیره، یافتن ترکیبی از مکانیسم‌های کنترلی و انگیزشی به‌منظور حداقل سازی هزینه‌های نمایندگی می‌باشد (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶).

همچنین ضرورت حاکمیت شرکتی، از تضاد منافع مشارکت‌کنندگان (ذینفعان) در ساختار شرکت ناشی می شود. مسئله نمایندگی (تضاد منافع) خود ناشی از دو علت عمده است؛ اول اینکه هر مشارکت‌کننده، اهداف و ترجیحات متفاوتی دارد و دیگر اینکه هر یک در مورد اقدامات، دانش و ترجیحات دیگری اطلاعات کاملی ندارد. بدیهی است این تفکیک با فرض نبود سازوکارهای مؤثر اجرایی حاکمیت شرکتی، زمینه اقدام مدیران در راستای منافع خود و نه منافع سهامداران را فراهم خواهد کرد (برل و مینز، ۱۹۹۱). در واقع در اقتصاد امروز اهمیت دارایی‌های نامشهود (مانند: مهارت نیروی انسانی) به‌طور فزاینده‌ای درحال افزایش است. دانش به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه، جایگزین سرمایه مالی و فیزیکی شده است. در اقتصاد دانش‌محور از سرمایه فکری به‌منظور ایجاد ارزش برای سازمان استفاده می‌شود و در دنیای امروز، موفقیت هر سازمان به توانایی مدیریت این دارایی‌ها بستگی دارد. امروزه شاهد رشد اهمیت سرمایه‌های فکری، به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای افزایش رقابت هستیم (دستگیر و محمدی، ۱۳۸۸)، چراکه سرمایه فکری می‌تواند حیات و قدرت رقابتی شرکت‌ها را حفظ نموده و توانایی سازمان را برای ایجاد ثروت را اندازه‌گیری می‌کند. این دارایی نامشهود است که از طریق به‌کارگیری دارایی‌های مرتبط با منابع انسانی، عملکرد سازمانی و روابط خارج از سازمان به دست آمده قابلیت خریدوفروش ندارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲). عدم وجود نظام حاکمیت شرکتی مناسب در

www.SID.ir

Archive of SID

شـــرکت‌ها منجر به عدم توانایی در جذب و نگهداشـــت ســـرمایه فکری ســـازمان می‌گردد (صـــفی‌الدین و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین حاکمیت شـــرکتی قوی و مناســـب منجر به افزایش ســـرمایه فکری در ســـازمان گردد. از طرف دیگر ســـرمایه فکری از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و ذینفعان، مشـــکلات و مســـائل نمایندگی را تقلیل می‌دهد. چنانچه دیدگاه تئوری نمایندگی مطرح باشد، به دلیل آنکه حاکمیت شرکتی بر شفافیت اطلاعات و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی تأکید دارد، انتظار می‌رود حاکمیت شـــرکتی قوی بتواند با استفاده از مکانیسم‌های نظارتی و راهبری، سوءاستفاده مدیریت از اجتناب مالیاتی را کاهش دهد (مشایخی و علی پناه، ۱۳۹۴). لذا می‌توان انتظار داشت که سرمایه فکری رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نماید.

تاکنون مطالعات بســـیاری در مورد ارتباط حاکمیت شـــرکتی و ســـرمایه فکری با عملکرد شـــرکت‌ها (قائمی و شـــهریاری، ۱۳۸۸؛ سـعید و همکاران، ۲۰۱۵؛ تسـایی و ون، ۲۰۱۳) انجام شـده، اما مطالعه و پژوهش در مورد تأثیر سـرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شـرکتی و اجتناب مالیاتی ازجمله مواردی است که تاکنون پژوهشی در رابطه با آن صورت نگرفته است؛ بنابراین بررسی اثر سرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌تواند ازجمله موضوعات بااهمیت در حوزه پژوهش باشد. در تحقیق حاضر بـه دنـبال پاسـخ بـه ایـن ســـــوال هستیم که آیا سـرمایه فکری بر رابطه میان نظام حاکمیت شـرکتی و اجتناب مالیاتی شـــرکت‌های پذیرفته‌شـــده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟ به بیان دیگر، این تحقیق سعی دارد این مو ضوع را مورد برر سی قرار دهد که سرمایه شرکتی، چه تأثیری بر حاکمیت شـــرکتی با در نظر گرفتن اجتناب مالیاتی دارد. برای این منظور ابتدا مبانی نظری پژوهش به تبیین ارتباط حاکمیت شـرکتی و اجتناب مالیاتی، سـرمایه فکری و اجتناب مالیاتی و در نهایت حاکمیت شرکتی و سرمایه فکری می‌پردازد. سپس پیشینه و فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌گردد. یافته‌های تحقیق در بخش چهارم ارائه و مورد تفســـیر قرار خواهند گرفت و ســـرانجام، بخش پایانی تحقیق حاضر نیز به نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد .

www.SID.ir

Archive of SID

مبانی نظری پژوهش

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می شود. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده، کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). اجتناب مالیاتی نیازمند وجود برخی مهارت‌هایی است که در یک سطح خاص از آموزش می‌توان به دست آورد. بنابراین، نتایج گزارش‌شده در ارتباط بین سطح آموزشی مالیات‌دهندگان و اجتناب مالیاتی نشان از وجود روابط معنادار میان این دو متغیر دارد.

ارتباط میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

برخی از پژوهشگران استدلال نمودند که حاکمیت شرکتی عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت نسبت به تغییرات نرخ مالیات شرکت‌ها است. هنگامی‌که دولت ضعیف باشد، افزایش نرخ مالیاتی منجر به این می‌شود که شرکت‌ها تدابیری بیندیشند که مالیات بنگاه را کاهش دهند. شرکت‌ها این کار را از طرق مختلفی مانند نقض و تخطی از قوانین و استفاده از خلأهای قانونی و غیره انجام می‌دهند. در حالی که اگر حاکمیت شرکتی قوی باشد، افزایش نرخ مالیاتی بنگاه می‌تواند زمینه کسب بازدهی بیشتری را برای شرکت فراهم نماید. پژوهش‌های تجربی حاکی از آن است که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند هزینه‌های غیرمالیاتی مستقیم و غیرمستقیمی برای شرکت به وجود آورد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). از طرف دیگر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی باید بتواند فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را در راستای حداکثر کردن ثروت فعالان بازار سرمایه هدایت کند. با توجه به اینکه از یک‌سو، تمرکز حاکمیت شرکتی روی هیئت‌مدیره بوده و وظیفه هیئت‌مدیره، حداکثر کردن ثروت سهامداران است و از سوی دیگر این دیدگاه وجود دارد که اجتناب مالیاتی می‌تواند ابزاری برای افزایش ثروت سهامداران باشد، انتظار می‌رود هر چه مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر باشد، اجتناب مالیاتی بیشتری انجام گیرد؛ اما از طرفی چنانچه دیدگاه تئوری نمایندگی مطرح باشد، به دلیل آنکه حاکمیت شرکتی بر شفافیت اطلاعات و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی تأکید دارد، انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی قوی بتواند با استفاده از مکانیسم‌های نظارتی و راهبری،

www.SID.ir

Archive of SID

سوءاستفاده مدیریت از اجتناب مالیاتی را کاهش دهد (مشایخی و علی پناه، ۱۳۹۴). بنابراین بر اساس دیدگاه اول در خصوص رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، فرضیه اول تحقیق به شرح ذیل تدوین گردیده است:

فرضیه اول: حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر مستقیم دارد.

ارتباط میان سرمایه فکری و اجتناب مالیاتی

اجتناب مالیاتی نیازمند وجود برخی مهارت‌هایی است که در یک سطح خاص از آموزش می‌توان به دست آورد. بنابراین، نتایج گزارش‌شده در ارتباط بین سطح آموزشی مالیات‌دهندگان و اجتناب مالیاتی نشان از وجود روابط معنادار میان این دو متغیر دارد. به‌عنوان‌مثال آورباخ و همکاران (۲۰۰۲) طی پژوهشی نشان دادند که موضوع اجتناب مالیاتی به این دلیل که مالیات‌دهندگان تکنیک‌های مناسبی را جهت دستیابی به پناهگاه‌های مالیاتی آموخته‌اند، در طول زمان افزایش یافته است. مورفی (۲۰۰۶) نیز دریافت که سطح سواد مالیات‌دهندگان درگیر مسائل برنامه‌ریزی مالیاتی متهورانه به‌طور قابل‌توجهی بیشتر از سطح سواد مالیات‌دهندگان عام می‌باشد. بااین‌حال، تجزیه‌وتحلیل رفتار اجتناب مالیاتی شرکت‌ها نشان می‌دهد که نتایج به دست آمده در خصوص ارتباط میان سرمایه فکری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها همیشه قطعی نیست. به‌عنوان‌مثال، هایت (۱۹۹۷، به نقل از فریرسرن و مارتی، ۲۰۱۳) دریافت که سطح آموزش بیشتر، اولویت تقلب و فساد را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، برخی دیگر از محققین همچون جکسون و میلیرون (۱۹۸۶، به نقل از فریرسرن و مارتی، ۲۰۱۳) به نتایج متضادی پی برده‌اند. آنان دریافتند که سطح تحصیلات کارکنان می‌تواند به افزایش یا کاهش رفتار فرار و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها منجر گردد. بنابراین، بر اساس استدلال نظری هایت، فرضیه دوم تحقیق به شرح ذیل تدوین گردیده است:

فرضیه دوم: سرمایه فکری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر معکوس دارد.

ارتباط میان حاکمیت شرکتی و سرمایه فکری

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط لی و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به‌عنوان یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی افزایش

www.SID.ir

Archive of SID

یابد، اثربخشی هیئت‌مدیره افزایش، هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان کاهش می‌یابد و منجر به عملکرد بهتر سرمایه فکری می شود. نتایج تحقیق ابر و بیکپی (۲۰۰۷) نیز رابطه مثبتی را بین عملکرد شرکت و سطح و درصد مالکیت سهامدار عمده در شرکت‌ها نشان داد. به‌عبارتی‌دیگر، وجود سهامداران نهادی به‌عنوان یکی از معیارهای حاکمیت شرکتی موجب گرایش شرکت به فعالیت‌های مولد ارزش که منافع رقابتی بلندمدت شرکت را به دنبال دارد، می‌گردد؛ بنابراین، این فعالیت‌ها در عملکرد بالای سرمایه فکری نمود خواهد داشت. از سوی دیگر قدرت تصمیم‌گیری متمرکز درنتیجه دوگانگی وظیفه مدیرعامل ممکن است موجب کاهش استقلال هیئت‌مدیره و کاهش گرایش طبیعی آنان برای افشای اختیاری گردد. یافته‌های پژوهش‌های چتوورو و همکاران (۲۰۰۱) بیانگر این مطلب است که بین سرمایه فکری و عدم وجود مدیرعامل به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره که یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیز می باشد، رابطه مثبتی وجود دارد. علاوه بر موارد مذکور نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که حسابرسان داخلی در هر دو جنبه راهبردی و نظارتی حاکمیت شرکتی مشارکت می‌کنند. ایفای هر دو نقش مذکور در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و عملکرد بهتر سرمایه فکری می‌شود (جلیلی و همتی، ۱۳۹۰). بنابراین، بر اساس استدلال نظری فوق فرضیه سوم تحقیق به شرح ذیل تدوین گردیده است:

فرضیه سوم: حاکمیت شرکتی بر سرمایه فکری شرکت‌ها تأثیر مستقیم دارد.

تأثیر سرمایه فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

عدم وجود نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها منجر به عدم توانایی در جذب و نگهداشت سرمایه فکری سازمان می‌گردد (صفی‌الدین و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین حاکمیت شرکتی قوی و مناسب منجر به افزایش سرمایه فکری در سازمان گردد. از طرف دیگر سرمایه فکری از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و ذینفعان، مشکلات و مسائل نمایندگی را تقلیل می‌دهد. چنانچه دیدگاه تئوری نمایندگی مطرح باشد، به دلیل آنکه حاکمیت شرکتی بر شفافیت اطلاعات و از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی تأکید دارد، انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی قوی بتواند با استفاده از مکانیسم‌های نظارتی و راهبری، سوءاستفاده مدیریت از اجتناب مالیاتی را کاهش دهد (مشایخی و علی پناه، ۱۳۹۴). لذا می‌توان انتظار

www.SID.ir

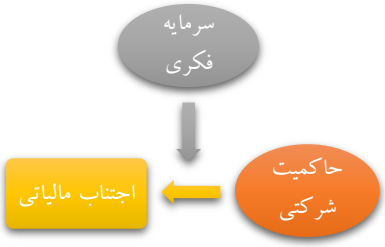
Archive of SID

داشت که سرمایه فکری رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت با توجه به اســتدلال‌های نظری فوق و مدل مفهومی تحقیق، فرضــیه چهارم به شرح ذیل تدوین گردیده است:

فرضــیه چهارم: ســرمایه فکری نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین حاکمیت شــرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد.

مدل مفهومی تحقیق

چارچوب الگوی مفهومی مطالعه حاضر با توجه به توضیحات فوق در نگاره (۱) ترسیم شده اســت. در این مدل، متغیر نظام حاکمیت شــرکتی (به‌عنوان متغیر مســتقل) دارای چندین ســازه (درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، مالکیت نهادی، مادر بودن شرکت، نوع حسابرس، دولتی یا خصوصی بودن شرکت و درصد سهام شناور آزاد) می‌باشد. همچنین سرمایه فکری (به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده) دارای چندین سازه (سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه به کار گرفته‌شده) بوده و اجتناب مالیاتی شرکت متغیر وابسته مدل می‌باشد.



***شکل** Error! No text of specified style in document.): مدل مفهومی تحقیق*

پیشینه پژوهش‌های خارجی و داخلی

بخشــی از ادبیات موضــوع تحقیق، در بخش قبل مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. در این بخش به تشریح آن دسته از تحقیقاتی پرداخته می‌شود که در سرفصل‌های پیشین به آن‌ها اشاره نگردیده است.

www.SID.ir

Archive of SID

د سایی و دهارماپالا (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و انگیزه‌های با قدرت بالا» دریافتند نرخ‌های مالیاتی بالا موجب تضعیف حاکمیت شرکتی می‌شود و برعکس، نرخ‌های پایین مالیاتی سبب بهبود حاکمیت شرکتی شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

فریز و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «مالیات و حاکمیت شرکتی» به این نتیجه رسیدند که قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را با تخصیص امتیازها یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. به‌علاوه، ساختار اصول راهبری شرکت‌ها از اینکه شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، تأثیر می‌پذیرد. همچنین، سیستم مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام متأثر کند.

لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکتی و مالیات متهورانه» اذعان نمودند تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره، رابطه منفی و معناداری با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به‌بیان‌دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند حاکمیت شرکتی به تعدیل سیاست‌های اجتناب از پرداخت مالیات منجر می‌شود. به‌بیان‌دیگر، افزایش نظارت بر عملکرد شرکت از طریق سهامداران عمده، سطوح پایین اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست‌های محافظه‌کارانه) را افزایش داده و سطوح بالای اجتناب از پرداخت مالیات (سیاست‌های متهورانه) را کاهش می‌دهد. این نتایج به‌طور خلاصه نشان می‌دهد نقدشوندگی سهام، عاملی بازدارنده در استفاده مدیریت از برنامه‌های مالیاتی بیش‌ازحد متهورانه یا محافظه‌کارانه است.

جلیلی و همتی (۱۳۹۰) در پژوهشی به ارزیابی ارتباط میان حاکمیت شرکتی و عملکرد سرمایه فکری پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره با سرمایه ساختاری دارای رابطه معناداری بوده است. همچنین رابطه معناداری بین عدم وجود مدیرعامل شرکت به‌عنوان رئیس یا نایب‌رئیس هیئت‌مدیره و سرمایه انسانی و رابطه معناداری بین وجود حسابرسی داخلی در شرکت و سرمایه انسانی و سرمایه ساختاری از اجزای سرمایه فکری نیز مشاهده گردید.

www.SID.ir

Archive of SID

دیدار و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و شکاف مالیاتی پرداخته‌اند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی شامل استقلال هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی، مالکیت دولتی، حسابرسی داخلی، اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و معامله با اشخاص وابسته با شکاف مالیاتی انجام گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر این است که رابطه متغیرهای استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی، منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی و اندازه شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند. همچنین متغیرهای دوگانگی نقش مدیرعامل، سهامداران نهادی و معامله با اشخاص وابسته، رابطه معناداری با شکاف مالیاتی ندارند.

مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین معیارهای راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

دیانتی دیلمی و شکراللهی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای اثر سازوکارهای نظام راهبری را بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و میزان و ارزش وجوه نقد نگه‌داری شده در شرکت، بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان داد که سازوکارهای نظام راهبری قوی موجب می‌شوند که رابطه بین اجتناب مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده در شرکت ضعیف شود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به این که داده‌های این تحقیق مربوط به اطلاعات مالی شرکت‌های واقعی بوده و نتایج آن می تواند راهگشای تصمیمات فعالان بازار سرمایه قرار گیرد، این پژوهش ازنظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و از حیث روش، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و پس رویدادی است. در این پژوهش برای جمع‌آوری مبانی نظری و ادبیات پژوهش از منابع کتابخانه‌ای و برای تجزیه‌وتحلیل داده ها از صورت های مالی و گزارش های هیئت مدیره شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران به همراه نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است. داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق نرم‌افزا اکسل طبقه‌بندی شده و جهت تجزیه‌وتحلیل‌های

www.SID.ir

Archive of SID

آماری از نرم‌افزارهای Eviews و Stata و با توجه به ماهیت داده‌ها نیز از رگرسیون خطی چندگانه به روش حداقل مربعات[1] استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ است. در این پژوهش، برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده گردیده و حجم نمونه برابر با تعداد شرکت‌های موجود در جامعه آماری خواهد بود که دارای شرایط زیر باشند:

قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده و تا سال ۱۳۹۴ در بورس فعالیت داشته‌اند.

به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ تغییر سال مالی نداده باشند.

برخی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ، که ساختار گزارشگری جداگانه‌ای دارند، از نمونه حذف می‌شوند.

اطلاعات مدیریتی موردنیاز آن‌ها (به‌خصوص یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی) و اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی و سرمایه فکری آن‌ها (مندرج در گزارش هیئت‌مدیره) برای هر شش سال در دسترس باشد.

در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ معاملات سهام آن به‌استثنای دوره معمول برای برگزاری مجمع عمومی، متوقف نشده باشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد جامعه آماری به ۹۴ شرکت تقلیل یافته و درنهایت تمام اعضای جامعه به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده است که با توجه به دوره پژوهش (۱۳۸۹-۱۳۹۴)، تعداد ۵۶۴ مشاهده می‌باشد.

متغیرهای تحقیق و شیوه اندازه‌گیری آن‌ها

متغیرهای این پژوهش به چهار گروه طبقه‌بندی می‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

متغیر وابسته

در تحقیق حا ضر به پیروی از پژوهش‌های دیلمی و شکراللهی (۱۳۹۴)؛ دایرنگ و همکاران (۲۰۰۸) و وانگ (۲۰۱۰) جهت سنجش اجتناب مالیاتی شرکت به‌عنوان متغیر وابسته از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی بلندمدت استفاده می‌شود که معیاری از اجتناب مالیاتی شرکت می‌باشد. این شاخص با استفاده از رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

رابطه (۱)

$$\text{Longrun cash ETR (LRETR)} = \frac{\sum_{i=1}^{n} \text{مالیات نقدی پرداختی}}{\sum_{i=1}^{n} \text{سود حسابداری قبل از مالیات}}$$

که در آن: مالیات نقدی پرداختی $\sum_{i=1}^{n}$: برابر است با مجموع مبالغ مالیات نقدی پرداختی شرکت i در سال‌های t الی t-5؛ سود حسابداری قبل از مالیات $\sum_{i=1}^{n}$: برابر است با مجموع مبالغ سود حسابداری قبل از مالیات شرکت i در سال‌های t الی t-5 است.

به پیروی از پژوهش دیلمی و شکراللهی (۱۳۹۴) داده‌های متغیر اجتناب مالیاتی درنهایت در عدد منفی یک (۱-) ضرب می‌گردد تا ارتباط میان متغیرهای تحقیق به‌درستی تفسیر گردد. با استفاده از این تعدیل، هرچه اندازه شاخص LRETR بزرگ‌تر باشد، سطح اجتناب مالیاتی شرکت نیز بیشتر خواهد بود.

متغیر مستقل

جهت سنجش حاکمیت شرکتی به‌عنوان متغیر مستقل از ۶ مؤلفه استفاده می‌گردد که تمامی مؤلفه‌های مذکور از طریق مطالعه گزارش فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها و نرم‌افزار ره‌آورد نوین به دست می‌آید. در نهایت جهت تبدیل نمره حاکمیت شرکتی شرکت‌ها به مقیاس نسبی، مجموع نمرات اکتسابی هر شرکت بر حداکثر نمره قابل اکتساب (یعنی عدد شش) تقسیم می‌گردد.

نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره: به‌منظور اندازه‌گیری این متغیر، ابتدا تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره از گزارش های هیئت مدیره برای کلیه شرکت های موردبررسی جمع‌آوری و سپس به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره تقسیم شده تا درصد اعضای غیرموظف محاسبه شود. سپس میانگین کل این متغیر برای هر سال محاسبه می‌گردد. برای شرکت‌هایی

www.SID.ir

Archive of SID

که دارای درصد اعضای غیرموظف بالاتری نسبت به میانگین جامعه باشند، ارزش یک و برای بقیه ارزش صفر داده می شود (نیکومرام و محمدزاده، ۱۳۸۹). دوگانگی نقش مدیرعامل: یک متغیر مصنوعی است که اگر مدیرعامل، رئیس هیئت‌مدیره هم باشد برابر با صفر و در غیر این صورت برابر یک است. این شاخص از گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دست می‌آید (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۳). مالکیت نهادی: در این تحقیق، به شرکت دارای سه سهامدار نهادی که مجموع درصد سهام آن‌ها بالای ۵۰٪ باشد ارزش یک و برای مابقی ارزش صفر لحاظ خواهد گردید. نوع حسابرس: درصورتی‌که مرجع حسابرسی شرکت، سازمان حسابرسی باشد به آن ارزش یک و اگر توسط مؤسسات حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، به آن ارزش صفر تعلق می‌گیرد. این متغیر از گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دست می‌آید. مالکیت دولتی: اگر شرکت مورد بررسی، خصوصی باشد به آن ارزش یک و اگر دولتی باشد به آن ارزش صفر داده می‌شود. این متغیر نیز از گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دست می‌آید. درصد سهام شناور آزاد: در این تحقیق، برای شرکت‌هایی که میزان سهام شناور آن‌ها کوچک‌تر از میانگین کل نمونه در هر سال بوده باشد، ارزش یک و برای بقیه ارزش صفر در نظر گرفته می‌شود. این متغیر با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین به دست می‌آید (نیکومرام و محمدزاده، ۱۳۸۹)..

متغیر تعدیل‌کننده

جهت اندازه‌گیری سرمایه فکری به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده از مدل ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری که توسط آنته پالیک توسعه داده شده است، استفاده می‌گردد. اجزای اصلی ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری (VAIC) می‌تواند بر مبنای منابع شرکت در زمینه‌های سرمایه انسانی، سرمایه ساختاری و سرمایه فیزیکی مشخص شود (تیتوا، ۲۰۱۱). نحوه محاسبه ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری بر اساس رابطه (۲) می‌باشد:

$$VIACiTM = HCEi + SCEi + CEEi \qquad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن: VAICi: ضریب ارزش‌افزوده سرمایه فکری شرکت i ام؛ HCEi: ضریب سرمایه انسانی شرکت i ام؛ SCEi: ضریب سرمایه ساختاری شرکت i ام؛ CEEi: ضریب

www.SID.ir

Archive of SID

سرمایه بکار گرفته‌شده شرکت i ام است. هر یک از متغیرهای این مدل نیز به شرح زیر محاسبه می‌گردد.

$$HCEi = \frac{VA}{HC}\ ,\ SCEi = \frac{SC}{VA}\ ,\ CEEi = \frac{VA}{CE}$$

$$VA = Pi + Ii + Ci + Di + DIVi + Ti$$

HC = هزینه حقوق و دستمزد

$$SC = VA - HC$$

CE = مجموع بدهی‌ها - مجموع دارایی‌های مشهود

که در آن: Pi: سود شرکت؛ I: هزینه بهره؛ C: هزینه حقوق و دستمزد؛ D: هزینه استهلاک؛ DIV: سود تقسیمی؛ T: مالیات است.

متغیرهای کنترلی

به‌منظور سنجش دقیق‌تر تأثیر سرمایه فکری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، مجموعه‌ای از متغیرهای بالقوه را که در مطالعات قبلی مورد استفاده قرار گرفته است، کنترل می‌نماییم. در تحقیق حاضر از چهار متغیر کنترلی استفاده گردیده که به شرح ذیل می‌باشند.

ریسک شرکت: در این تحقیق از ضریب بتا برای کنترل ریسک شرکت استفاده خواهد شد و اطلاعات مربوط به آن از نرم‌افزار ره‌آورد نوین به د ست می‌آید (دارابی و همکاران، ۱۳۹۲). نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت: در این پژوهش حقوق صاحبان سهام در پایان سال مالی به‌عنوان ارزش دفتری شرکت در نظر گرفته شده است .ارزش بازار شرکت عبارت است از تعداد سهام عادی شرکت در پایان سال ضربدر آخرین قیمت هر سهم در پایان سال. اهرم مالی شرکت: از حاصل تقسیم ارزش دفتری مجموع بدهی‌ها بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها در پایان سال مالی t محاسبه می‌شود. اندازه شرکت: برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها که در پایان سال مالی t محاسبه می‌شود (فاما و فرنچ، ۲۰۰۱؛ افزا و حسن میرزا، ۲۰۱۰).

www.SID.ir

Archive of SID

مدل‌های رگرسیونی تحقیق

جهت آزمون فرضیه ساختاری اول با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه از مدل رگرسیونی ذیل استفاده خواهد شد.

رابطه (۳)

$$CASH_ETRit = \beta0 + \beta1GOVit + \beta2RISKit + \beta3BMit + \beta4LEVit + \beta5SIZEit + \sum_t DYEAR + \sum_j DIND + \varepsilon it$$

جهت آزمون فرضیه ساختاری دوم با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه از مدل رگرسیونی ذیل استفاده خواهد شد.

رابطه (۴)

$$CASH_ETRit = \beta0 + \beta1VIACit + \beta2RISKit + \beta3BMit + \beta4LEVit + \beta5SIZEit + \sum_t DYEAR + \sum_j DIND + \varepsilon it$$

جهت آزمون فرضیه ساختاری سوم با استفاده از روش رگرسیون خطی چندگانه از مدل رگرسیونی ذیل استفاده خواهد شد.

رابطه (۵)

$$VIACit = \beta0 + \beta1\ GOVit + \beta2RISKit + \beta3BMit + \beta4LEVit + \beta5SIZEit + \sum_t DYEAR + \sum_j DIND + \varepsilon it$$

جهت آزمون فر ضیه ساختاری چهارم با ا ستفاده از روش رگر سیون خطی چندگانه از مدل رگرسیونی ذیل استفاده خواهد شد.

رابطه (۶)

$$CASH_ETRit = \beta0 + \beta1GOVit + \beta2VIACit + \beta3\ GOV^*\ VIACit + \beta4RISKit + \beta5BMit + \beta6LEVit + \beta7SIZEit + \sum_t DYEAR + \sum_j DIND + \varepsilon it$$

در مدل رگرسیونی فوق علاوه بر متغیر مستقل حاکمیت شرکتی، از متغیر تعدیل‌کننده سرمایه فکری نیز استفاده شده است. متغیر تعدیل‌کننده، متغیری است که بر رابطه متغیر مستقل و متغیر وابسته تأثیر اقتضایی دارد. یعنی، حضور متغیر سوم (متغیر تعدیل‌کننده) رابطهٔ مورد انتظار اصلی بین متغیر های مستقل و وابسته، را تغییر می‌دهد. ویژگی دیگر متغیر های

www.SID.ir

Archive of SID

تعدیل‌کننده این است که همانند متغیرهای مستقل نقش یکسانی به‌عنوان متغیرهای عِلّی نسبت به متغیر ملاک یا وابسته داشته، هر دو نسبت به آن تقدم دارند؛ بنابراین، متغیرهای تعدیل‌کننده همواره نقش متغیرهای مستقل را دارند (ساعی، ۱۳۸۱).

یافته‌های پژوهش

برای ارائه یک شمای کلی از ویژگی‌های مهم متغیرهای پژوهش، برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها شامل تعداد مشاهدات، میانگین، میانه، دامنه تغییرات، انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی، در نگاره (۱) ارائه شده است. متغیر اندازه شرکت (SIZE) و متغیر اجتناب مالیاتی (CASH_ETR) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقدار میانگین و متغیر سرمایه فکری (VIAC) و متغیر حاکمیت شرکتی (GOV) به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار می‌باشند. همچنین توجه به اعداد میانگین و میانه متغیر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها که برابر ۰/۱۲ است، نشان می‌دهد شرکت‌های نمونه تحقیق در سطح نسبتاً متوسطی اقدام به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌نمایند.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعدادمشاهده	میانگین	میانه	دامنه تغییرات	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
CASH_ETR	۵۶۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۷/۹۰	۰/۳۷	-۰/۹۱	۸۹/۲۴
GOV	۵۶۴	۰/۶۳	۰/۶۷	۰/۸۳	۰/۱۶	-۰/۲۹	۲/۷۰
VIAC	۵۶۴	۶/۳۶	۴/۱۱	۱۷۰/۷۳	۹/۸۸	۹/۱۰	۱۲۲/۳۳
RISK	۵۶۴	۰/۸۰	۰/۷۴	۱۲/۴۸	۰/۹۴	-۰/۵۵	۱۴/۳۵
BM	۵۶۴	۰/۵۱	۰/۴۷	۹/۰۱	۰/۵۰	-۴/۸۱	۶۶/۹۷
LEV	۵۶۴	۰/۵۹	۰/۶۰	۲/۰۷	۰/۲۲	۰/۸۶	۸/۴۸
SIZE	۵۶۴	۱۴/۵۰	۱۴/۰۴	۸/۱۶	۱/۶۲	۰/۸۲	۳/۰۷

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس خروجی نرم‌افزار Eviews

آزمون‌های F لیمر، ضریب لاگرانژ و هاسمن۲

بر اساس ادبیات اقتصاد سنجی داده‌های پانل، قبل از تخمین مدل‌ها لازم است با استفاده از آماره آزمون F لیمر همگنی داده‌ها و درنتیجه استفاده از روش تخمین داده‌های پانل مورد

www.SID.ir

Archive of SID

آزمون قرار می‌گیرد. به‌منظور انتخاب روش تخمین مناسب از بین روش با اثرات ثابت و تصادفی باید از آماره آزمون هاسمن و به‌منظور انتخاب روش تخمین مناسب از بین روش با اثرات تصادفی و اثرات تجمیعی از آزمون ضریب لاگرانژ بروش پاگان استفاده شود. نتایج حاصل از آزمون F لیمر، هاسمن و ضریب لاگرانژ بروش پاگان برای مدل‌های فرضیه ۱ الی ۴، در نگاره (۲) ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمر، هاسمن و ضریب لاگرانژ

مدل تحقیق	F لیمر		هاسمن		ضریب لاگرانژ	
	F-statistic	Prob. *	Chi2	Prob. *	Chibar2	Prob. *
مدل فرضیه ۱	۲/۷۱	۰/۰۰۰	۲۴/۲۲	۰/۰۰۰	-	-
مدل فرضیه ۲	۲/۷۲	۰/۰۰۰	۲۳/۴۰	۰/۰۰۰	-	-
مدل فرضیه ۳	۳/۲۳	۰/۰۰۰	۱۰/۰۱	۰/۰۷	۳۰/۱۶	۰/۰۰۰
مدل فرضیه ۴	۲/۵۷	۰/۰۰۰	۱۳/۶۹	۰/۰۶	۴۹/۲۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس خروجی نرم‌افزار Stata

نتایج آماره آزمون F لیمر برای هر چهار مدل تحقیق به دلیل سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد، دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش داده‌های پانل به‌جای روش داده‌های تلفیقی دارد. همچنین نتایج آزمون ها سمن برای مدل‌های فر ضیه ۱ و ۲ به دلیل سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد، دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش اثرات ثابت دارد؛ درحالی‌که نتایج این آزمون برای مدل‌های فرضیه ۳ و ۴ به دلیل سطح معنی‌داری بیشتر از ۵ درصد، دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش اثرات تصادفی دارد. نتایج آزمون ضریب لاگرانژ بروش پاگان برای مدل‌های فرضیه ۳ و ۴، دلالت بر معنی‌دار بودن استفاده از روش اثرات تصادفی به‌جای استفاده از روش اثرات تجمیعی دارد.

آزمون‌های والد تعدیل شده۳، نسبت راستنمایی و وولدریج۴

با توجه به اینکه در تحقیق حاضر تعداد مقاطع از دوره زمانی بیشتر است و احتمال ناهمسانی واریانس وجود دارد، می‌بایست با انجام آزمون‌های لازم از عدم وجود ناهمسانی واریانس بین جملات اخلال اطمینان پیدا نمود. با توجه به اینکه طبق نگاره (۲) برای مدل‌های فرضیه ۱ و ۲،

www.SID.ir

Archive of SID

روش اثرات ثابت تأیید گردید، می‌بایست از آزمون والد تعدیل شده جهت سنجش ناهمسانی واریانس در مدل‌های مذکور استفاده گردد. همچنین به دلیل عدم تأیید استفاده از روش اثرات ثابت برای مدل‌های فرضیه ۳ و ۴، از آزمون نسبت راستنمایی جهت سنجش ناهمسانی واریانس برای مدل‌های مذکور استفاده شده است. در این پژوهش از آزمون وولدریج جهت کشف خودهمبستگی استفاده گردیده است.

نگاره (۳): نتایج آزمون والد تعدیل شده، نسبت راستنمایی و وولدریج

مدل تحقیق	والد تعدیل شده		نسبت راستنمایی		وولدریج	
	Chi2	Prob. *	Chi2	Prob. *	F-statistic	Prob. *
مدل فرضیه ۱	۱/۵e+۰۶	۰/۰۰۰	-	-	۷/۸۴	۰/۰۱
مدل فرضیه ۲	۱/۵e+۰۶	۰/۰۰۰	-	-	۸/۲۶	۰/۰۰۰
مدل فرضیه ۳	-	-	۱۶۳۸/۵۳	۰/۰۰۰	۱۱۹۹/۷۶	۰/۰۰۰
مدل فرضیه ۴	-	-	۱۸۸۴/۰۶	۰/۰۰۰	۸/۹۵	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس خروجی نرم‌افزار Stata

نتایج حاصل از آزمون‌های والد تعدیل شده، نسبت راستنمایی و وولدریج برای مدل‌های فرضیه ۱ الی ۴، در نگاره (۳) ارائه شده است. نتایج آماره آزمون والد تعدیل شده برای مدل‌های فرضیه ۱ و ۲ و نتایج آماره آزمون نسبت راستنمایی برای مدل‌های فرضیه ۳ و ۴ به دلیل سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد، دلالت بر وجود ناهمسانی واریانس بین جملات اخلال دارد. همچنین نتایج آماره آزمون وولدریج برای مدل‌های فر ضیه ۱ الی ۴ به دلیل سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد، حاکی از وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. بنابراین، با توجه به نتایج به دست آمده جهت رفع ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در برآورد نهایی مدل‌ها از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته۵ استفاده می گردد.

آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر سرمایه فکری بر رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این راستا چهار فر ضیه ا صلی تدوین شده و ۹۴ شرکت ع ضو جامعه بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه

www.SID.ir

Archive of SID

آماری در طول یک دوره ۶ ساله (۱۳۸۹-۱۳۹۴) مورد برر سی قرار گرفتند. در ادامه یادآوری این نکته ضـروری اسـت که با توجه به نتایج ارائه شـده در نگاره (۴)، مقدار معنی داری آماره والد حاکی از معنی دار بودن مدل‌های رگرسـیونی برازش شـده اسـت و این امر حاکی از آن اسـت که متغیرهای توضـیحی تأثیر معناداری بر متغیر وابسـته داشـته‌اند. در جدول (۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها قابل مشاهده است.

نگاره (۴): نتایج حاصل از تخمین مدل‌های فرضیه اصلی

متغیروابسته / متغیرهای توضیحی	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم	فرضیه چهارم
	اجتناب مالیاتی	اجتناب مالیاتی	سرمایه فکری	اجتناب مالیاتی
	ضریب متغیر	ضریب متغیر	ضریب متغیر	ضریب متغیر
	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری
GOV	۰/۰۷۴۲۲		-۳/۶۲۳۵	۰/۰۸۷۹
	۰/۰۲۵		۰/۰۰۱	۰/۰۲۵
VIAC		-۰/۰۰۱۲		۰/۰۰۰۴
		۰/۰۳۸		۰/۸۰۴
GOV* VIAC				-۰/۰۰۲۶
				۰/۳۷۳
RISK	-۰/۰۰۲۸	-۰/۰۰۰۴	۰/۰۳۹۹	-۰/۰۰۰۲
	۰/۲۹۱	۰/۸۷۵	۰/۶۱۹	۰/۹۳۸
BM	۰/۰۰۲۴	-۰/۰۰۱۵	-۱/۸۶۴۹	-۰/۰۰۲۴
	۰/۸۶۸	۰/۹۱۶	۰/۰۰۰	۰/۸۷
LEV	۰/۰۹۷۱	۰/۰۸۲۷	-۶/۰۸۹۰	۰/۰۷۴۲
	۰/۰۰۹	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶
SIZE	-۰/۰۸۱۹	-۰/۰۷۲۹	۴/۵۰۴۸	-۰/۰۶۷۲
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
مقدار ثابت عرض از مبدأ	۰/۰۱۹۴	۰/۰۱۷۴	-۰/۸۰۷۶	۰/۰۱۷۰
	۰/۱۷۲	۰/۲۱۱	۰/۰۱۱	۰/۲۴۳
آماره خی دو Wald	۰/۱۷۲	۴۷/۶۴	۲۱۳/۲۱	۵۲/۲۸
سطح معناداری مدل	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۱
اثرات صنعت	بله	بله	بله	بله
اثرات سال	بله	بله	بله	بله

منبع: یافته‌های تحقیق بر اساس خروجی نرم‌افزار Stata

www.SID.ir

Archive of SID

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از این است که حاکمیت شرکتی (GOV) به‌عنوان متغیر مستقل با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ در صد و مثبت بودن مقدار ضریب بتا برای آن، رابطه معنادار و مستقیمی با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (CASH-ETR) شرکت‌ها دارد. در نتیجه فرضیه اول تحقیق مبنی بر تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد. بدین معنا که هر اندازه سازوکارهای حاکمیت شرکتی شرکت‌ها قوی تر باشد، اجتناب مالیاتی آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود. این نتایج، مطابق با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) بوده و با نتایج پژوهش‌های دهالیوال و همکاران (۲۰۱۱)، دیدار و همکاران (۱۳۹۳) و مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در تضاد است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از این است که سرمایه فکری (VIAC) به‌عنوان متغیر مستقل با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و منفی بودن مقدار ضریب بتا برای آن، رابطه معنادار و معکوسی با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (CASH-ETR) شرکت‌ها دارد. درنتیجه فرضیه دوم تحقیق مبنی بر تأثیر معکوس سرمایه فکری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌گردد. به عبارتی هر اندازه میزان سرمایه فکری شرکت‌ها بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی آن‌ها نیز کمتر خواهد بود. این نتایج، مطابق با نتایج پژوهش‌های هایت (۱۹۹۷) و جکسون و میلیرون (۱۹۸۶) بوده و با نتایج پژوهش مورفی (۲۰۰۶) در تضاد است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از این است که حاکمیت شرکتی (GOV) به‌عنوان متغیر مستقل با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد و منفی بودن ضریب بتا برای آن، رابطه معنادار و معکوسی با متغیر وابسته سرمایه فکری (VIAC) شرکت‌ها دارد. درنتیجه فرضیه سوم تحقیق مبنی بر تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی بر سرمایه فکری شرکت‌ها با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد. به عبارتی هر اندازه سازوکارهای حاکمیت شرکتی شرکت‌ها قوی تر باشد، سرمایه فکری آن‌ها نیز کمتر خواهد بود. این نتایج با نتایج پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۰۸)، صفی‌الدین و همکاران (۲۰۰۹)، ستایش و همکاران (۱۳۹۰) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در تضاد است؛ چراکه پژوهش‌های لی و همکاران (۲۰۰۸) و صفی الدین و همکاران (۲۰۰۹) بر وجود ارتباط معنادار و مستقیم میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و سرمایه فکری و پژوهش‌های ستایش و همکاران (۱۳۹۰) و حیدری و همکاران (۱۳۹۴) بر عدم وجود ارتباط معنادار میان متغیرهای مذکور تأکید نموده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از این است که متغیر حاصلضربی اثر سرمایه فکری بر حاکمیت شرکتی (GOV*VIAC) به‌عنوان متغیر تعدیل کننده با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد، رابطه معناداری با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (CASH-ETR) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد؛ به عبارتی بهتر طبق نتایج جدول فوق، سرمایه فکری شرکت‌ها رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نمی‌نماید. درنتیجه فرضیه چهارم تحقیق مبنی بر نقش تعدیل‌کننده سرمایه فکری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد. به عبارتی بهبود سرمایه فکری نمی‌تواند رابطه معنادار بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین در این مدل متغیر حاکمیت شرکتی (GOV) به‌عنوان متغیر مستقل با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، رابطه معناداری با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (CASH-ETR) در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد که با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب بتا برای آن، جهت این رابطه نیز مستقیم است. درصورتی که متغیر سرمایه فکری (VIAC) به‌عنوان دیگر متغیر مستقل مدل فوق، با توجه به سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد، رابطه معناداری با متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (CASH-ETR) در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد. با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه اثر تعدیل‌کننده سرمایه فکری بر رابطه میان نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، هم در ایران و هم در سطح بین‌المللی انجام نشده است و پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر نقدشوندگی سهام، سازوکارهای نظام راهبری شرکتی، ارزش شرکت، سرمایه فکری و غیره به صورت جداگانه بر اجتناب مالیاتی صورت پذیرفته است؛ لذا امکان تطبیق نتایج برای آزمون فرضیه چهارم وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج روش آماری بکار برده شده برای پژوهش حاکی از آن بود که سرمایه فکری شرکت‌ها رابطه میان سازوکارهای حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل نمی‌نماید. به این معنی که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به طور مستقیم بر روی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند و در این میان سرمایه فکری نقشی را ایفا نمی‌نماید. هرچند که انتظار می‌رفت سرمایه فکری رابطه مثبت میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نماید؛ لیکن با توجه به مبانی نظری و برخی از شواهد تجربی می‌توان دلایل متعددی را برای نتیجه این تحقیق

www.SID.ir

Archive of SID

تبیین نمود. از جمله اینکه شـواهد حاکی از آن اسـت که رابطه مثبتی بین اجتناب مالیاتی و تفاوت مالیات تشـخیصـی و ابرازی وجود دارد و می‌توان ادعا کرد دولت تمایل بیشـتری دارد که از شـرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی می‌نمایند، مالیاتی بیش از مالیات ابرازی اخذ نماید و مالیات بیشتری برای این گروه از شرکت‌ها تشخیص می‌دهد. در نتیجه، در این شرایط شاید اجتناب مالیاتی یک اقدام کارا جهت کاهش مالیات واقعی نباشـد و شـاید از این رو باشـد که شرکت‌هایی که قصد کاهش مالیات را دارند، سراغ راهکارهای دیگری چون محافظه کاری، مدیریت سود، فرار مالیاتی و غیره بروند. علاوه بر این، ممکن است بازار و سایر گروه‌ها نیز به شـرکت‌هایی که اقدامات اجتناب مالیاتی انجام می‌دهند، واکنش منفی نشـان دهند و این اقدامات شـهرت منفی برای شـرکت به وجود آورد. بررسـی سـایر مواردی که می‌تواند بر این موضوع و رابطه مؤثر باشد، مستلزم پژوهش‌های جداگانه و بیشتر است. همچنین نتایج فرضیات اول، دوم و چهارم نشان داد که از میان متغیرهای کنترلی، متغیرهای اهرم مالی و اندازه شرکت با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، روابط معناداری دارند؛ بنابراین متغیرهای کنترلی مذکور نسبت به دیگر متغیرهای کنترلی تحقیق (ریسک شرکت و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت)، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را بهتر توجیه می‌کنند.

در نهایت با توجه به نتایج پژوهش و تأیید وجود رابطه معنادار و مسـتقیم میان نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی توصیه می‌شود که در تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع خود، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را مدنظر قرار دهند، علاوه بر این با توجه به اینکه نظام راهبری مطلوب فرصـت‌طلبی مدیران از منابع و وجوه حاصـل از اجتناب مالیاتی را محدود می‌کند، توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران در انتخاب بین فرصت‌های سـرمایه‌گذاری پیش رو، به عوامل و سـازوکارهای نظام حاکمیت شـرکتی توجه داشـته باشـند. همچنین با توجه به منفی بودن رابطه بین نظام حاکمیت شـرکتی و سـرمایه فکری به مدیران و سـرمایه‌گذاران پیشـنهاد می‌شـود در خصـوص اسـتقرار مناسـب سـازوکارهای نظام حاکمیت شـرکتی نظارت‌های بیشـتری را اعمال نموده و عملکرد صـحیح این سـازوکارها را بیشـتر در کانون توجه خویش قرار دهند. به‌طورکلی تحقیق حاضـر ادبیات مربوط به اجتناب مالیاتی را گسـترش داده و شـواهدی را در خصـوص پیامدهای حاکمیت شـرکتی بر اجتناب مالیاتی ارائه می‌نماید. به‌طور خاص، نتایج تحقیق تأکید می‌نماید که حاکمیت شـرکتی قوی، منجر به بهبود

www.SID.ir

Archive of SID

کیفیت گزار شگری مالی و درنهایت نیل به اهداف شرکت‌ها در خصوص اثربخشی اقدامات مربوط به برنامه‌ریزی‌های مالیاتی می‌گردد.

محدودیت‌های تحقیق

نخست آن که با توجه به شرایط محیطی و قوانین و مقررات مربوطه، امکان استفاده از برخی الگوهای اجتناب مالیاتی میسر نبود. همچنین، عدم ارائه برخی اطلاعات مورد نیاز از قبیل نرخ مالیاتی، زیان سنواتی و اطلاعات مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی، باعث حذف شرکت‌ها و در نتیجه کاهش نمونه مورد بررسی گردید.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

بازآزمونی پژوهش حاضر با استفاده از سایر الگوهای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه فکری و مقایسه نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش حاضر.

بازآزمونی پژوهش حاضر با استفاده از مجموعه ای دیگر از ساز و کارهای نظام حاکمیت شرکتی (مالکیت مدیریتی، مالکیت خانوادگی، تمرکز مالکیت و غیره) و مقایسه نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش حاضر.

پی نوشت

۱ Least Squares
۲ Lagrange & Husman Test
۳ Modified Wald Test
۴ Wooldridge Test
۵ Generalized Least Squares

منابع

بت شکن، محمدهاشم؛ رهبری، مهسا (۱۳۸۸). رابطه بین حاکمیت شرکتی و درآمد مالیاتی شرکت‌ها. بصیرت: ۴۲، ۱۶۵-۱۳۳.

جلیلی، آرزو؛ همتی، هدی (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی و عملکرد سرمایه فکری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت: ۴ (۴). ۱۳-۲۴.

حساس یگانه، یحیی؛ حسنی، محمد و کاشانیان، شیوا (۱۳۹۰). مقاله راهبری: حاکمیت شرکتی منافع چه کسانی را باید تأمین کند؟، حسابدار: ۲۴۰، ۹۷-۹۴.

www.SID.ir

Archive of SID

حیدری، مهدی؛ بهمن، قادری و کفعمی، مهدی (۱۳۹۴). تبیین رابطه بین نظام راهبری شرکتی و سرمایه فکری از دیدگاه نظریه نمایندگی: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری، دانش حسابداری: ۶ (۲۲)، ۱۳۱-۱۵۲.

دارابی، رویا؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و مشکین، مسعود (۱۳۹۲). رابطه بین جریان نقدی عملیاتی و سود عملیاتی با بازده سهام شرکت‌ها و تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر این روابط، حسابداری مدیریت: ۶ (۱)، ۱-۱۴.

دستگیر، محسن؛ محمدی، کامران (۱۳۸۸). سرمایه فکری: گنج تمام نشدنی سازمان، نشریه تدبیر: ۲۱۴، ۲۸-۳۴.

دیانتی دیلمی، زهرا و شکراللهی، پریسا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و میزان نگهداشت وجه نقد، پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۴ (۳). ۳۹-۶۲.

دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا و کفعمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی: ۴ (۲۱)، ۴۰۹-۴۳۰.

ساعی، علی (۱۳۸۱). تحلیل آماری در علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران: نشر کیان مهر.

ستایش، محمدحسین؛ دهداری، الیاس و نمازی، نویدرضا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کارایی اجزای سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مالی: ۳ (۱۰). ۶۲-۸۶.

قائمی، محمدحسین؛ شهریاری، مهدی (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها، پیشرفت-های حسابداری: ۱ (۱). ۱۱۳-۱۲۸.

مجتهدزاده، ویدا (۱۳۸۲). نقش حسابداری مدیریت در انعکاس سرمایه فکری، ماهنامه حسابدار: ۱۷، ۹-۷.

مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی، دانش حسابداری: ۷ (۲۰) ۸۳-۱۰۴.

مشایخی، بیتا؛ علی‌پناه، صبری (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی: ۷ (۲۵). ۴۹-۶۴.

ناظمی، امین؛ ممتازیان، علیرضا؛ صالحی نیا، محسن (۱۳۹۳). رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و کارایی مدیریت موجودی کالا (مطالعه ی موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، مطالعات تجربی حسابداری مالی: ۱۱ (۴۲). ۱۸۶-۱۵۹.

www.SID.ir

Archive of SID

نیکومرام، هاشم؛ حیدر، محمدزاده‌سالطه (۱۳۸۹). ارائه الگویی برای تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، حسابداری مدیریت: ۳ (۴)، ۵۹-۸۰.

Abor, J. , & Biekpe, N. (2007). Corporate governance, ownership structure and performance of SMEs in Ghana: implications for financing opportunities. Corporate Governance: The international journal of business in society: 7 (3) , 288-300.

Armstrong, C. S. , Blouin, J. L. , Jagolinzer, A. D. , & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. Journal of Accounting and Economics, 60 (1) ,1-17.

Auerbach, A. J. , Burman L. E. , & Siegel J. (2002). Capital gains taxation and tax avoidance: New evidence from panel data, National Bureau of Economic Research.

Berle, A. A. , & Means, G. G. C. (1991). The Modern Corporation and private property. Transaction publishers.

Botshekan, M. , and Rahbari, M. (1388). Corporate governance about rights of shareholders in listed companies in Tehran Stock Exchange, Insight, 42,133-153. (In Persian).

Darabi, R. , Vakilifard, H. R. & Meshkin, M. (1392). The relationship between operating cash flow and operating profit with stock returns and the impact of information asymmetry in the relationship, Management Accounting, 6 (1) , 1-14. (In Persian).

Dastghir, M. , & Mohammadi, K. (1388). Intellectual Capital: An Endless Treasure of the Organization, Journal of tact, 214, 28-34. (In Persian).

Desai, M. A. , & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. Journal of Financial Economics, 79 (1) , 145-179.

Dhaliwal, D. S. , Huang, S. X. , Moser, W. J. , & Pereira, R. (2011). Corporate tax avoidance and the level and valuation of firm cash holdings, Available at SSRN: https: //ssrn. com/abstract=1905076

Dianatideilami, Z. , & Shokrollahi, P. (1394). The effect of corporate governance on the relationship between tax avoidance and the value-amount of cash holdings, Empirical Research in Accounting, 4 (3) , 39-62. (In Persian).

Didar, H. , Mansourfar, Gh. & kafemi, M. (1393). Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Tax Distortion in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange, Accounting and Auditing Reviews, 4 (21) , 409-430. (In Persian).

Fama, E. F. , & French, K. R. (2001). Disappearing dividends: changing firm characteristics or lower propensity to pay?. Journal of Financial economics, 60 (1) , 3-43.

www.SID.ir

Archive of SID

Freire-Serén, M. J. , & i Martí, J. P. (2013). Tax avoidance, human capital accumulation and economic growth. Economic Modelling, 30, 22-29.

Friese, A. , Link, S. , & Mayer, S. (2008). Taxation and corporate governance—The state of the art. In Tax and corporate governance: 357-425. Springer, Berlin, Heidelberg .

Ghaemi, M. H. , & Shahriari, M. (1388). Corporate Governance and Financial Performance, Journal of Accounting advances: 1 (1) ,113-128. (In Persian).

Hanlon, M. , & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. Journal of Accounting and Economics, 50 (2) , 127-178.

Hasasyeghaneh, Y. , Hasani, M. , & Kashanian, S. (1390). For whom corporate governance will provide benefits? Accountant: 240. 94-97. (In Persian).

Heidari, M. , Ghaderi, B. & kafemi, M. (1394). Explaining the relationship between corporate governance and intellectual capital from the perspective of agency theory: structural equation modeling approach, accounting knowledge, 6 (22) , 131-152. (In Persian).

Huseynov, F. , & Klamm, B. K. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. Journal of Corporate Finance, 18 (4) , 804-827.

Jalili, A. , & Hemati, H. (1390). Corporate Governance and Intellectual Capital Performance in the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange, Management Accounting, 4 (4) ,13-24. (In Persian).

Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. Journal of financial economics, 3 (4) , 305-360.

Lanis, R. , & Richardson, G. (2012). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: An empirical analysis. Journal of Accounting and Public Policy, 31 (1) , 86-108.

Li, J. , Pike, R. , & Haniffa, R. (2008). Intellectual capital disclosure and corporate governance structure in UK firms. Accounting and Business Research, 38 (2) , 137-159.

Marrakchi Chtourou, S. , Bedard, J. , & Courteau, L. (2001). Corporate governance and earnings management, Corporate Governance and Earnings Management (April 21).

Mashayekh, B. , & alipanah, S. (2015). The Impact of Corporate Governance on the Relationship between Avoidance of Taxes and Company Value, Journal of Financial Accounting and Auditing, 7 (25) , 49-64. (In Persian).

Mashayekh, B. , & Seyedi, S. J. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance, Accounting Knowledge, 7 (20) , 83-104. (In Persian).

www.SID.ir

Archive of SID

Mirza, H. H. , & Azfa, T. (2010). Ownership structure and cash flows as determinants of corporate dividend policy in Pakistan, International Business Research, 3 (3) , 210-221.

Mojtahedzadeh, V. (2003). The role of management accounting in the reflection of intellectual capital, Accountant Monthly: 17,7-9. (In Persian).

Murphy, K. (2006). An examination of taxpayers' attitudes towards the Australian tax system: Findings from a survey of tax scheme investors.

Nazemi, A. , Momtaziyan, A. & Salehinia, M. (2014). Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Inventory Management Efficiency (Case Study: Companies Acquired in Tehran Stock Exchange) , Empirical studies of financial accounting, 42, 159-186. (In Persian).

Nikomaram, H. , & Mohammadzadesalete, H. (2010). Providing a Model for Explaining the Relationship between Corporate Governance and Earning Quality, Management Accounting, 3 (4) , 59-80. (In Persian).

Saeed, S. , Rasid, S. Z. A. , & Basiruddin, R. (2015). The mediating role of Intellectual capital in corporate governance and the corporate performance relationship. Mediterranean Journal of Social Sciences, 6 (5) , 209.

Sa'ei, A. (1381). Statistical Analysis in Social Sciences, Third Edition, Tehran: Kian Mehr Publication. (In Persian).

Safieddine, A. , Jamali, D. , & Noureddine, S. (2009). Corporate governance and intellectual capital: evidence from an academic institution. Corporate Governance: The international journal of business in society, 9 (2) ,146-157.

Setayesh, M. H, Dehdari, E. & Namazi, N. R. (1390). The Investigation of the Effect of Corporate Governance Mechanisms on the Performance of Intellectual Capital Components of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange, Financial Accounting, 3 (10) ,62-86. (In Persian).

Titova, N. (2011). Application of value added intellectual coefficient (VAICTM) and calculated intangible value (CIV) in research: the lessons learnt. Latvijas Universitates raksti. Ekonomika. Vadības zinatne (Latvia).

Tsai, J. H. , Yu, J. , & Wen, S. Y. (2013). Intellectual capital, corporate governance and firm performance. Information Management and Business Review, 5 (10) , 482-491.

www.SID.ir

Archive of SID

Intellectual Capital and the Relation between Corporate Governance and Tax Avoidance

Mahdi Faghani[1], Sakine Darsanj[2], Moslem Saeidi[3], Hamid Zarei[4]

Received : 2017/12/16
Approved: 2018/03/10

Abstract

Lack of proper corporate governance mechanisms can pave the way for management opportunistic actions one of which is to lead tax avoidance activities towards their own benefits, which in turn may waste tax resources. The purpose of this paper is to investigate the effect of intellectual capital on the relation between corporate governance and tax avoidance of firms listed in Tehran Stock Exchange. The sample consists of 94 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2010 to 2015. The data is analyzed through regression model using panel data. The results indicate that intellectual capital does not modify the relation between corporate governance mechanisms and tax avoidance. This means that corporate governance mechanisms affect tax avoidance directly and intellectual capital does not play any role in it. In particular, findings show that strong corporate governance leads to improvement of financial reporting quality and, ultimately, helps the effectiveness of tax planning actions.

Keywords: tax avoidance, corporate governance, intellectual capital.

Jel clacification: H20, G34, O34

DOI: 10.22051/jera.2018.18450.1891

[1] Assistant Professor of Accounting, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran, Corresponding Author, (faghani@acc.usb.ac.ir)
[2] MS.c. in Accounting, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran, (s_darsanj66@yahoo.com)
[3] Lecturer in Accounting, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran, (moslem.saeidi@acc.usb.ac.ir)
[4] MS.c. in Accounting, University of Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan, Iran, (hamidzarei@pgs.usb.ac.ir)

www.SID.ir